

## عدالت حاکم اسلامی با صاحب منصبان، مردم و منسویین خویش در حوزه حسابرسی با تأکید بر سیره امیرالمومنین علی علیه السلام

امیرحسین و کیلی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۶احمدرضا بهنیافر<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۳یاسر روستایی<sup>۳</sup>

## چکیده

مسئله عدالت از دیرباز گمشده بشریت بوده و برای تحقق آن در طول تاریخ هزینه های گزافی پرداخت کرده است. تمام ناملایمتهای و نارسایی های زندگی بشر به نحوی از انحا قابل تحمل بوده و یا با آن کنار آمده است ولی بی عدالتی را برنرفته و با آن با شیوه های مختلف مبارزه کرده است. گاهی بخشی یا تمام زندگی خود را از دست داده و گاهی هم حیات خود را برای تحقق آن فدا کرده است. امام علی(ع) با آن شدت رعایت عدالت نه تنها صاحب منصبان خود را تحت نظر داشت بلکه منسویین خویش را به طریق اولی نظارت و کنترل می کرد. در سیره امام علیه السلام تذکر، نظارت و بازرسی، حسابرسی و برخورد شایسته مشاهده می شود. نکته جالب در این رفتارها عدالتی است که زبانزد دوست و دشمن است. عدالت کلمه است که از آن برداشت های مختلف می شود و هرکس این کلمه مقدس را به گونه ای تعریف می کند ولی سیره امام علیه السلام سرآغاز و راهگشایی برای آزادیخواهان و عدالت جویان طول تاریخ گردید. امروزه وقتی کلمه عدالت گفته می شود اولین صورتی که به ذهن متبادر می گردد حکومت مقدس امیرالمومنین علی علیه السلام است.

کلمات کلیدی: امام علی، حکومت اسلامی، حاکم اسلامی، حوزه حسابرسی، عدالت.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

vakihi.amirhosin@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

behniafar@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه حقوق، واحد میناب، دانشگاه آزاد اسلامی، میناب، ایران

Yasserroostaei@yahoo.com

عدالت بهترین خواسته انسان است که در طول تاریخ برای تحقق آن کوشش کرده و در عین حال دست یافتن به آن امری دشوار بوده و در برخی موارد غیر ممکن.<sup>۴</sup> عدالت صرفاً به معنای برابری و مساوات نیست و این ترجمه از عدالت بسیار سطحی و کوتاه است. کلمه عدالت معنای پرمغزی دارد که مبنای تصمیم‌گیری حکومت داران عادل است. مطابق حکمت ۴۳۷: عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد. البته معانی دیگری برای عدالت بیان شده ولی کامل‌ترین آنها همان کلام امیر علیه السلام است که می‌فرماید: عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. عدالت آنقدر ارزشمند است که شخصی همچون علی ابن ابی طالب علیه السلام بخاطر تحقق آن به شهادت می‌رسد. امام علی(ع) در مطلع خطبه ۳۳ خطاب به ابن عباس، ارزش حکومت را فقط برای تحقق عدالت بیان می‌کند و لاغیر. شهید مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه مرقوم می‌دارد: اسلام که طرز تفکرها را عوض کرد به این معنی است که ارزش‌ها را بالا و پائین آورد، ارزش‌هایی که در حد صفر بود، مانند تقوا در درجه‌های عالی قرار داد و بهای فوق‌العاده سنگین برای آنها تعیین کرد و ارزش‌های خیلی بالا را از قبیل خون و نژاد و غیر آن را پائین آورده تا سر حد صفر رساند. عدالت یکی از مسائلی است که به وسیله اسلام حیات و زندگی را از سر گرفت و ارزش فوق‌العاده یافت. اسلام به عدالت، تنها توصیه نکرد و یا تنها به اجراء آن قناعت نکرد بلکه عمده اینست که ارزش آنرا بالا برد. جود و بخشندگی از عدالت بالاتر است زیرا عدالت رعایت حقوق دیگران و تجاوز نکردن به حدود و حقوق آنهاست، اما جود اینست که آدمی با دست خود حقوق مسلم خود را نثار غیر می‌کند، آن که عدالت می‌کند به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند و یا حافظ حقوق دیگران است از تجاوز و متجاوزان و اما آنکه جود می‌کند فداکاری می‌نماید و حق مسلم خود را به دیگری تفویض می‌کند پس جود بالاتر است. واقعا هم اگر تنها با معیارهای اخلاقی و فردی بسنجیم مطلب از این قرار است، یعنی جود بیش از عدالت معرف و نشانه کمال نفس و رقاء روح انسان است. اما از نظر امام علی(ع) به دو دلیل می‌گوید عدل از جود بالاتر است، یکی اینکه، عدل جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد. اما جود جریان‌ها را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد. زیرا مفهوم عدالت این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هر کس مطابق آنچه به حسب کار و استعداد، لیاقت دارد داده شود، اجتماع حکم ماشینی را پیدا می‌کند که هر جزء آن در جای خودش قرار گرفته است و اما جود درست است که از نظر شخص جود کننده که مایملک مشروع خویش را به دیگری می‌بخشد فوق‌العاده با ارزش است اما باید توجه داشت که یک جریان غیر طبیعی است، مانند بدنی است که عضوی از آن بدن بیمار است و سایر اعضا موقتاً برای اینکه آن عضو را نجات دهند فعالیت خویش را متوجه اصلاح وضع او می‌کنند. از نظر اجتماعی چه بهتر که اجتماع چنین اعضا بیماری را نداشته باشد تا توجه اعضا اجتماع به جای اینکه به طرف اصلاح و کمک به یک عضو خاص معطوف شود، به سوی تکامل عمومی اجتماع معطوف گردد. دیگر اینکه عدالت قانونی است عام و مدیر و مدبری است کلی و شامل، که همه اجتماع را در بر می‌گیرد و بزرگراهی است که همه باید از آن بروند، اما جود و بخشش یک حالت استثنائی و غیر کلی است که نمی‌شود رویش حساب کرد، اساساً جود اگر جنبه قانونی و عمومی

<sup>۴</sup>-گرجی از ندریانی، علی اکبر، حقوقی سازی سیاست، چاپ دوم، سال ۱۳۹۵، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۱۰۹

پیدا کند و کلیت یابد دیگر جود نیست<sup>5</sup>. عدالت همانند شاخصیست که مدیران باید خود را به آن بسنجند. نباید تصور شود که عصر عدالت گذشته و سنجش با آن مسئله روز جامعه نیست. عدالت معیار جاویدانیست که همه چیز در هر زمان با آن قابل اندازه‌گیری است<sup>6</sup> و به تعبیر زیبای امیرالمومنین علیه السلام عدالت ملاک است<sup>7</sup>. در شخصیت امیرالمومنین علیه السلام عدالت و دادگری زیباترین وجه آن است که تمام حکومت او را تحت تاثیر قرار داده است. ایشان اگر می‌خواستند رعایت ملاحظات حکومت و شخصیت خود را بر دنیا ترجیح دهند به یقین موفق‌ترین حکومت در طول تاریخ را داشتند و هیچ معارضی هم نداشتند ولی در طول تاریخ پنهان می‌شدند. به هیچ عنوان الهام بخش آزادی خواهان و مصلحان جهان نبودند.<sup>8</sup>

### حسابرسی

در تمام سیستم‌های حکومتی دنیا بازخواست کردن و حسابرسی از عملکرد صاحب منصبان امری ضروریست. هر چقدر نظام حاکم نسبت به حسابرسی از کارگزاران خود جدی‌تر و پیگیرتر باشد به همان اندازه سلامت حکومت خود را تضمین کرده است و حکومتی که در بازرسی از سیستم خود جدی نباشد و در حسابرسی از افراد آن سهل‌انگاری و یا مصلحت‌اندیشی بی‌مورد بخرج دهد، نمی‌تواند امیدی به اصلاح امور داشته باشد. فلسفه تشکیل دیوان محاسبات همین جلوگیری از فساد کارگزاران حکومت است که اگر صحیح و به موقع وارد عمل شود، به اصلاح سیستم حکومتی کمک می‌کند. به منظور حسابرسی دقیق و قاعده‌مند بر مبنای اصول و ضوابط معین یک گروه مجهز و متخصص به نمایندگی از قوه مقننه کار بررسی دقیق را انجام می‌دهند.<sup>9</sup> قطعاً ورود جدی اینگونه دستگاه‌ها در امر حسابرسی جنبه بازدارندگی برای متخلفین دارد و در مقابل اگر نهادهای نظارتی نسبت به وظایف خود سهل‌انگاری کنند متخلفین نیز در امر تخلف خود جسارت پیدا می‌کنند.

### مفهوم حسابرسی و تاریخچه آن

اگرچه حسابرسی بصورتی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، دارای سابقه نسبتاً کوتاهی می‌باشد، ولی باید دانست که حسابرسی به مفهوم اعم کلمه، یعنی رسیدگی به حساب و کتاب، سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، که مندرجاً با یک روند تکاملی به صورت کنونی درآمده است. مبدا شروع حسابرسی به زمانی بازمی‌گردد که لزوم برقراری نوعی کنترل نسبت به عملیات و معاملات کسانی که به مباشرت دیگران اقدام به وصول و یا خرج وجوه متعلق به آنان می‌نمودند احساس گردید و به نوعی باید کنترل می‌شدند. این ضرورت به‌خصوص در مورد کنترل وصول و مصرف وجوه عمومی بیت‌المال از دیرباز احساس گردیده و به همین علت سابقه بازرسی عملیات مقامات مالی در دستگاه‌های حکومتی و مملکتی قدمتی بس دیرینه دارد. در آن روزگاران

<sup>5</sup>-مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ پنجاهم، سال ۱۳۹۱، تهران، انتشارات صدرا، ص ۱۱۶

<sup>6</sup>-دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالت دولت، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، تهران، انتشارات دریا، ص ۱۰۷

<sup>7</sup>-خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، چاپ سوم، سال ۱۳۶۰، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۷

<sup>8</sup>- خامنه ای، سیدعلی، جاودانه تاریخ، چاپ سوم، سال ۱۳۹۰، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۷۱

<sup>9</sup>- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی ج ۱، ج دوم، چاپ بیست و چهارم، سال ۱۳۹۲، تهران، انتشارات میزان، ص ۲۰۹

به علت ابتدائی بودن روش‌های حسابداری و مدارک و دفاتری که نگاهداری می‌شده است و مهم‌تر از آن به علت ناچیز بودن نسبی اعداد و ارقام و میزان و تعداد معاملات، وظایف محوله به رسیدگی کننده بسیار مختصر بوده و گاه به استماع توضیحاتی که توسط مباشران یا عمال مالی داده می‌شد محدود می‌گردید. در مرام و مسلک انبیا و ائمه معصومین حسابرسی برای پاسخگویی در پیشگاه الهی انجام می‌شود. در واقع حساب پس دادن در محضر خداوند متعال دقیق و به دور از هرگونه عوامفریبی صورت می‌گیرد؛ اگر ایشان در پیشگاه خداوند متعال از حسابرسی سربلند بیرون آیند، قطعاً مردم نیز از عملکرد آنها راضی خواهند بود. چه بسیار حاکمانی بودند و هستند که به چپاول بیت‌المال می‌پردازند و با سندسازی و عوامفریبی جای حق و باطل را عوض می‌کنند و در نظر خود همین که مردم را با دغل بازی راضی نگاه دارند کفایت می‌کند. امام علیه السلام در انتهای نامه ۴۰ نهج البلاغه خطاب به فرماندار خود می‌فرماید: و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است. اگر کارگزار از ذهن خود بگذراند که شاید بتواند مراجع نظارتی و حسابرسی را فریب دهد با این انذار حضرت علیه السلام متوجه می‌شود که حسابرسی اصلی و حتمی خداوند متعال است که باید او را مدنظر داشته باشد و اندیشه اینکه از ید قدرت او هم فرار کند، اندیشه‌ی باطلی است.

### طریقه حسابرسی

حکومت‌ها برای استمرار خود ناگزیرند که از افراد حکومت و صاحب منصبان و عملکرد آنها نظارت و حسابرسی داشته باشند. امام چون بنا داشت مطابق دستورات الهی و سیره نبوی عمل کند و از طرفی جامعه اسلامی بعد از پیامبر(ص) با آموزه‌های ایشان فاصله زیادی گرفته بود فلذا به طریق اولی و بسیار جدی امر حسابرسی از کارگزاران خود را دنبال کرد.

### انذار پیش از حسابرسی

امام قبل از اینکه صاحب منصبان و کارگزاران خود را مورد حسابرسی قرار دهد به مناسبت‌های گوناگون ایشان را انذار می‌دادند. نمونه‌ای از آن که تاریخ آنرا ثبت و ضبط کرده مربوط می‌شود به نامه‌ای که امام علی(ع) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان مرقوم می‌دارند. ایشان در نامه پنجم نهج البلاغه تاکید می‌فرماید که پست فرمانداری در دست تو امانت است و اموالی که در اختیار داری برای خداوند متعال است که آنرا باید به خزانه بسپاری. همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم.

دست اندازی در بیت المال به قدری در نزد امام ناپسند و قبیح است که گاهی افراد مبتلی به آنرا با کلمات شدید اللحنی، بصورت خیلی جدی و محکم تهدید می‌کند که نمونه‌ی آنرا تاریخ به یاد ندارد. در نامه ۲۰ نهج البلاغه خطاب به زیاد ابن ابیه جانشین فرماندار بصره مرقوم می‌دارد: همانا من، براستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی.

امام همزمان که کارگزار خود را امر می‌کند حساب اموال را ارسال کند، به او یادآور می‌شود که حسابرس اصلی خداست و او کسی است که فریب نمی‌خورد و عالم به غیب و شهود است. خداوند متعال از آنچه که در قلوب و افکار مردم می‌گذرد آگاه است. در تمام سیستم‌های مالی مدرن دنیا کار به گونه‌ای بسته شده که امکان تخلف کاهش پیدا کند ولی آنچه که مسلم است هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند با نظارت و کنترل حتی با دقیق‌ترین ابزار می‌تواند صددرصد جلوی تخلف را بگیرد ولی در نظام حکومتی امام علی (ع)، ایشان علیرغم تاکید بر نظارت پیدا و پنهان، بر احیا و جدان هم تاکید می‌کند.

### زمان حسابرسی

غالب حسابرسی‌ها و حسابکشی‌ها از مدیران، در حال حاضر موکول می‌شود به پس از اینکه آنها از پست خود برکنار می‌شوند. البته اگر حسابرسی‌ای در کار باشد. امام حساب‌کشی از صاحب منصبان خود را به ایام دیگر حواله نمی‌کرد بلکه همان زمان که خبر تخلف کارگزاران به ایشان می‌رسید، فی‌المجلس برای رسیدگی و حسابرسی از عملکرد او، یا گروهی را به محل وقوع تخلف اعزام می‌کرد و یا طی نامه‌ای اشتباه و تخلف او را متذکر می‌شد و یا اینکه شخص را به مرکز حکومت برای ادای توضیحات فرا می‌خواند.

### درخواست صورت حساب

در برخی از موارد به علل مختلف نیاز به فرستادن نماینده به محل خدمت کارگزار متخلف نبوده بلکه امام طی نامه‌ای تذکرات و یادآوری‌های لازم را می‌کردند و از خود شخص درخواست صورت حساب اموال را می‌کردند.

### پیگری در امر حسابرسی

گاهی اوقات حکومت‌ها قائل به آسیب رساندن به مردم تحت امر خود نیست و به طور مستقیم امر به آزار مردم خود نمی‌کنند ولی پیگیری شکایت‌ها و گلایه‌های آنها از نحوه برخورد کارگزاران هم نیستند. در گذشته رسم بر این بود که لشکریان برای جنگ و اعزام به معرکه نبرد روزها و هفته‌ها حرکت می‌کردند تا به موضع نبرد برسند. طبیعتاً که این نیروها و مرکب‌هاشان نیاز به غذا و علوفه دارند و ادوات جنگی آن‌ها گاه نیازمند رفع ایراد و اصلاح است. فلذا همراه بردن تمام مایحتاج لشکر امکان پذیر نبود به همین علت در مسیر خود وارد بر شهرها و روستاها می‌شدند و گاهی با غلبه و قهر مایحتاج خود را از مردم می‌گرفتند. لشکر امام علی (ع) هم از این نیاز مبری نبود ولی تفاوت ایشان با دیگران در نامه ۶۰ نهج البلاغه که به مسئولین جمع‌آوری مالیات و فرمانداران شهرهایی که لشکریان از سرزمین آنان می‌گذرند مرقوم می‌دارند، است. ایشان ضمن تشریح نیاز لشکر و اجازه استفاده حداقلی به سربازی که گرسنگی و اضطراب بر او غالب شده، توصیه می‌فرمایند مراقب باشند، افراد سبک مغز برای لشکریان زحمت درست نکنند. سپس می‌فرمایند: من در پشت سپاه در حرکت هستم و گلایه‌های خود را عرضه کنید تا حسابرسی و رسیدگی کنم و در اموری که لشکریان بر شما چیره شده اند که قدرت دفع آن را جز با کمک خدا و من ندارید، به من مراجعه کنید، که با کمک خداوند آن را بر طرف خواهم کرد. لشکری که آماده نبرد است و حیات و ممات خود را در جنگ می‌بیند باید

تمام هم و غم خود را بگذارد که به جبهه جنگ برسد و هر امکانی از هر طریقی برای سربازان خود فراهم می‌کند تا فقط به نبرد و پیروزی آن فکر کنند. ولی در مکتب امیرالمومنین پیروزی در نبرد به هر طریقی (خواه مشروع خواه غیرمشروع) نباید حاصل شود و این اصل که "هدف وسیله را توجیه نمی‌کند" بطور کامل رعایت می‌شود. در این دستور و رفتارهای مشابه آن خدا محوری بطور کامل رعایت شده است. چون خدا محوریت دارد و اوست که عالم به غیب و شهودست، فلذا حضرت از هیچ تخلفی کوتاه نمی‌آید و پیگیرست، که شکایات و گزارشات بررسی و حسابرسی شود. حتی وقتی که لشکرش کوچکترین تعدی را به مردم کند و تا آنجا که مجال باشد بررسی آنرا به دیگران حواله نمی‌دهد بلکه شخصا رسیدگی می‌کند.

### دقت نظر و جامع بودن در حسابرسی

مکرر اتفاق می‌افتد کسانی با شعار عدالت خواهی و مبارزه با فساد پای در میدان مدیریت گذاشته و خود را در معرض انتخاب مردم قرار داده‌اند ولی وقتی وارد میدان کار شدند، یا نخواستند یا نتوانستند به آنچه که وعده داده بودند عمل کنند. یا اینکه فقط در جایی وارد مبارزه با بی عدالتی شدند که فساد از دید مردم اظهر من الشمس شده و امکان اهمال وجود نداشت. فی الواقع شعار عدالت خواهی و مبارزه با فساد برای آنها موضوعیت دارد نه عمل به آن.

### دقت نظر

مردم با چشم خود بخشش‌های بی حساب و کتاب و سرسام آور عثمان را می‌دیدند و با خود می‌گفتند اگر قرار است علی(ع) عدل ایجاد کند لازم است این اموال را به بیت المال بازگرداند. روزی که عثمان کشته شد، صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم در نزد خزانه دارش موجود داشت و ارزش املاکش در وادی القری و حنین و غیره صد هزار دینار بوده است و اسب‌ها و شترهای فراوانی از خود به جای گذاشت. این اموال شخصی در ایامی مملوک عثمان بوده که اکثر مردم از حداقل‌های معیشت محروم بوده‌اند. اگر وضع اقتصادی مردم آن دوران مطلوب بود، اعتراض کنندگان معاصر عثمان و تحلیلگران تاریخ اسلام، آن ارقام را سرسام آور نمی‌شمردند و آنها را مورد انتقاد سخت قرار نمی‌دادند.<sup>10</sup>

امام در شدت برخورد با فساد مالی به گونه‌ای رفتار می‌کند که همگان از شدت آن متوجه می‌شوند که فساد در دولت اسلامی او هیچ جایگاه ندارد. در جای جای نهج البلاغه، مواضع امام و اهمیت حفظ و جلوگیری از تاراج بیت المال بیان شده است.<sup>11</sup> قطائع عبارت از زمینهای متعلق به بیت المال است که از آن خراج می‌گیرند، امام می‌تواند آنها را به برخی از افراد رعیت واگذارد و معمولاً خراج را از آن برمی‌داشته و درصد اندکی به عوض خراج از آن می‌گرفته‌اند. عثمان به گروه بسیاری از بنی امیه و دیگر یاران و دوستان خود قطائع فراوان از سرزمینهای دارای خراج را به این صورت واگذار کرد. البته عمر هم پیش از او قطائعی در اختیار افراد گذارد، ولی آنان کسانی بودند که در جنگها زحمت فراوان کشیده و در جهاد به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته بودند و

10- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، سال ۱۳۸۵، چاپ نهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۴۵

11 - آقایی طوق، مسلم، حقوق عمومی در نهج البلاغه، سال ۱۳۹۴، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۲۲۴

عمر در واقع آنرا بهای جانفشانی ایشان در راه فرمانبرداری از خداوند سبحان قرار داده و حال آنکه عثمان این کار را دستاویز رعایت پیوند خویشاوندی و توجه و گرایش به یاران خویش می‌کرد، بدون اینکه در جنگ متحمل رنج شده باشند یا کار چشمگیری انجام داده باشند.<sup>۱۲</sup> امام در ابتدای خلافت در شرایطی که هنوز پایه‌های خلافت استحکام نیافته پیامی محکم به صاحبان منصبان و ذی نفوذان در حضور مردم می‌دهد که بیت المال به تاراج رفته را بازگردانید. در اینجا ایشان دست بروی نکته حساسی می‌گذارد و دقت نظر و ریزبینی خود را نشان می‌دهد و می‌فرماید حتی اگر با اموال بیت المال ازدواج کرده و کنیز گرفته باشید، باز هم اموال باید به بیت المال بازگردد. این خطبه حضرت در عین حال که نقشه راه و موضع او را مشخص می‌کند نکته دیگری هم داشت. در شرایطی که مدینه آستان حوادث مهمی بود و این امکان وجود داشت که شور و شغف رزمندگان و مجاهدان به انحراف کشیده شود و آن دسته از مسلمانان سست ایمان که نسبت به اسلام و بزرگان آن بدبین شوند، سخنان امیر المومنین موجب آرامش و اطمینان خاطر آنها گردید که عدالت پیامبر(ص) باز خواهد گشت و بارقه امید را در دل آنها روشن کرد.

### جامع بودن حسابرسی

در خطبه ۱۵، هم دقت نظر امام قابل ستایش است و هم جامع بودن ایشان در حسابرسی. امام می‌توانست تنها از نقدین در دسترس تاراجگران بیت المال و نهایتاً، املاک و چهارپایان آنها حسابرسی کند ولی جامعیت ایشان حسابرسی را تا پستوی خانه آنها پیش برده و سخن از کابین زن‌ها و کنیزهایی که از اموال عمومی خریداری کرده‌اند را پیش کشید. یعنی به طریق اولی هر چه که از این راه نامشروع بدست آورده‌اید باید پس دهید. کما اینکه وقتی خبر خطبه امیرالمومنین به عمرعاص رسید طی نامه‌ای خطاب به معاویه نوشت: هر چه باید انجام دهی انجام بده که پسر ابی طالب همه اموالی را که داری از تو جدا خواهد کرد، همانگونه که پوست عصا و چوبدستی را می‌کنند.<sup>۱۳</sup>

### حسابرسی از منسوبان

همیشه در جوامع انسانی وجود نابرابری‌ها موجبات سلطه‌های فردی و طبقات اجتماعی را فراهم می‌کند. وقتی که افراد دارای جایگاه و موقعیت‌های برابر باشند، قدرتهای فردی محو می‌شود<sup>۱۴</sup> و هیچ کس خود را فراتر از قانون نمی‌داند. اشکال عمده‌ای که همیشه و در همه اعصار، مردم از حاکمان خود می‌گرفتند، که چرا حکومت نسبت به رسیدگی به تخلفات نزدیکان خود کوتاهی و لاپوشانی می‌کند ولی همان تخلف و شاید تخلفات به مراتب پایین‌تر از آن را اگر از سوی عوام سرزند با جدیت پیگیری و محاکمه می‌کنند؟ در صورتی که اگر تخلف نزدیکان حکومت افشا شود نهایت کاری که مدعیان عدالت در پاسخ به اعتراضات مردم خود انجام می‌دهند، محاکمه حداقلی است. فی الواقع مجازات متخلفین حکومتی و نزدیکان آنها نسبت مستقیم با اعتراضات مردم دارد. یعنی آنقدری آنها مجازات می‌شوند که سروصدای مردم کاهش یافته یا کمرنگ شود. احتمال اش بسیار ضعیف است که

۱۲- مهدوی دامغانی، محمود، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، چاپ دوم، سال ۱۳۷۵، تهران، نشر نی، ص ۱۳۵

۱۳- همان، ص ۱۳۶

۱۴- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی ج.۱.۱. ج اول همان ص ۲۹۸

حاکم عدالت مطلق را اجرا کند و نزدیکان خود را مطابق مردم عادی محاکمه کند. این نحوه حکومت فقط از حکومتی سر می‌زند که منشا خدایی داشته باشد. فقط پیامبران و جانشینان آنان. بعد از کشت و کشتارها و ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های بی‌شمار چندین هزار ساله، بالاخره مردم جهان به این نتیجه رسیدند که مهمترین عامل بازدارنده از ظلم و بی‌عدالتی برابری همه در مقابل قانون است. در واقع هر اندازه که حکومتی بتواند برابری همگان در مقابل قانون رو تضمین کند به همان اندازه به مشروعیت نزدیک است.<sup>۱۵</sup> تجربه تاریخی جوامع سیاسی مختلف پاسخ روشنی به این پرسش نداده که آیا این قوانین، اجرا هم شده و یا فقط نوشته شده. ترسم صلاحیت قانونی و برابری همگان در مقابل آن در قوانین مختلف ترسیم شده؛ آیا اجرا هم شده؟<sup>۱۶</sup> در حالی که اسلام چهارده قرن پیش این اصل را نه تنها تضمین بلکه اجرا کرد. در عهدنامه مالک اشتر، نامه ۵۳ نهج البلاغه، امام از همان ابتدا خطاب به مالک اشتر توصیه می‌فرماید حواست به اطرافیان باشد، برخی از آنها خودخواه و چپاولگر هستند. آنها سود خود را می‌برند و وزر و وبال آن در روز قیامت گردن توست. امیرالمومنین علیه السلام در حالی این نامه را برای مالک مرقوم می‌دارد که در دوره گذشته اطرافیان زمامداران و شخص خلیفه فقط به خاطر همین قرابت حق و حقوق ثابت و معین داشتند و کسی یارای مخالف با آنها را نداشت.

یکی دیگر از مواردی امام از پسرعمو و صاحب منصب خود حسابکشی می‌کند باز می‌گردد به نامه ۴۱ نهج البلاغه که ایشان مرقوم می‌دارند: پس از یاد خدا و درود همانا من تو را در امانت خود شرکت دادم، و همراز خود گرفتم، و هیچ یک از افراد خاندانم برای یاری و مدد کاری، و امانت داری، چون تو مورد اعتماد نبود. آن هنگام که دیدی روزگار بر پسر عمویت سخت گرفته، و دشمن به او هجوم آورده، و امانت مسلمانان تباہ گردیده، و امانت اختیار از دست داده، و پراکنده شدند، پیمان خود را با پسر عمویت دگرگون ساختی، و همراه با دیگرانی که از او جدا شدند فاصله گرفتی، تو هماهنگ با دیگران دست از یاری‌اش کشیدی، و با دیگر خیانت‌کنندگان خیانت کردی. نه پسر عمویت را یاری کردی، و نه امانت‌ها را رساندی. گویا تو در راه خدا جهاد نکردی و برهان روشنی از پروردگارت نداری، و گویا برای تجاوز به دنیای این مردم نیرنگ می‌زدی، و هدف تو آن بود که آنها را بفریبی و غنائم و ثروت‌های آنان را در اختیار گیری، پس آنگاه که فرصت خیانت یافتی شتابان حمله ور شدی، و با تمام توان اموال بیت المال را که سهم بیوه زنان و یتیمان بود، چونان گرسنه‌ای که گوسفند زخمی یا استخوان شکسته‌ای را می‌ریاید، به یغما بردی، و آنها را به سوی حجاز با خاطری آسوده، روانه کردی، بی آن که در این کار احساس گناهی داشته باشی. دشمنت بی پدر باد، گویا میراث پدر و مادرت را به خانه می‌بری. آیا به معاد ایمان نداری و از حسابرسی دقیق قیامت نمی‌ترسی ای کسی که در نزد ما از خردمندان بشمار می‌آمدی، چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌نوشی. چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می‌خری و با زنان ازدواج می‌کنی که خدا این اموال را به آنان وا گذاشته، و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است. پس از خدا بترس و اموال آنان را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذرخواه من باشد و

۱۵ - نوین، پرویز، اصولحقوق عمومی، چاپ دوم، سال ۱۳۹۰، تهران، انتشارات جنگل، ص ۲۸

۱۶ - گرجی ازندریانی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴، تهران، انتشارات جنگل، ص ۲۵۹



با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به دستم پدید آمده نابود سازم.

به پروردگار جهانیان سوگند، اگر آنچه که تو از اموال مسلمانان به نا حق بردی، بر من حلال بود، خوشنود نبودم که آن را میراث باز ماندگانم قرار دهم، پس دست نگهدار و اندیشه نما، فکر کن که به پایان زندگی رسیده‌ای و در زیر خاک‌ها پنهان شده و اعمال تو را بر تو عرضه داشتند، آنجا که ستمکار با حسرت فریاد می‌زند و تباہ کننده عمر و فرصت‌ها، آرزوی بازگشت دارد اما «راه فرار و چاره مسدود است.

دقت در متن نامه فوق مشخص می‌کند امام در رسیدگی و بررسی بیت المال هیچگونه مسامحه ندارد و می‌فرماید اگر اموال را بازنگردانی، با شمشیری تو را می‌زنم که هرکس را زدم وارد دوزخ شد. در ادامه امام سخنی می‌فرماید که به قول معروف همه حساب کار خود را می‌کنند. می‌فرماید: سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند. رفتار و گفتار امام مثل عوام نیست که برای هر چیز بی‌ارزشی قسم جلاله یاد کند و برای تهدید و ارعاب مردم وعده بی‌جا دهد که اگر فرزندانم خطا کنند چنین و چنان می‌کنم؛ بلکه قول و فعل او از سر صدق و راستی است.

### حسابرسی از مردم

حقوق فردی و اجتماعی مردم بیش از همه مکاتب مورد احترام مکتب اسلام بوده است. مکتب اسلام از تمامی مکاتب شرقی و غربی به حقوق و تامین رفاه و آزادی‌های انسان توجه دارد.<sup>۱۷</sup> در حکومت مستکبران و ستمگران شدت و سختی برای مردم و صاحب منصبان حکومت امری لازم و ضروری است. سختگیری برای مردم از آن جهت اتخاذ می‌شود که سر به شورش نگذارند و در اداره زندگی عادی خود غرق گردند. شدت عمل برای کارگزاران نیز از آن جهت صورت می‌گیرد که فکر کودتا بسرشان نزنند و موجبات زحمت برای حاکمیت را فراهم نکنند. شاید یکی از مصداق بارز اینگونه حکومت‌ها، در دنیای امروز، رژیم کره شمالی باشد. در موضوع حقوق عمومی در نهج البلاغه مباحث مربوط به مردم‌داری و سعه صدر بصورت گسترده بیان شده و برقراری روابط حسنه با مردم و مراعات آن‌ها به کرات به چشم می‌خورد. در این روش اسلامی رابطه حکومت و مردم همانند رابطه پدر- فرزند تعریف شده که ویژگی عمده آن، رعایت مصلحت فرزندان است. لذا امام در اثنای نامه ۵۳ به مالک اشتر می- فرماید: «آنگاه از آنان آنگونه تفقد کن که پدر و مادر از فرزندانشان تفقد و دلجویی می‌کند.<sup>۱۸</sup> در حکومت الهی و سراسر نور امیرالمومنین(ع) صاحب منصبان در سختترین شرایط نظارتی قرار دارند و از اقسام مختلف نظارت و بازرسی(پیدا و پنهان، رسمی و غیررسمی) و سپس حسابرسی و مجازات برای آن‌ها استفاده می‌شود و در مقابل مردم با سهل‌ترین روش ممکن و در نهایت آزادی زندگی می‌کنند. تنها خط قرمز امام در اداره جامعه، فتنه‌گری و برهم زدن آرامش مردم است. مادامی که خوارج فقط در حد

<sup>۱۷</sup>- موسی زاده، ابراهیم، حقوق عمومی در اسلام، چاپ دوم، سال ۱۳۹۵، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۶۲۶

<sup>۱۸</sup> - حقوق عمومی در نهج البلاغه، همان ص ۱۵۵

شعار و اعتراض در جامعه فعالیت می‌کردند، امام علیه السلام تحمل و بردباری را پیشه خود ساخته و به تذکر لسانی و ایراد خطبه بسنده می‌کردند. اعتراضات بیجا و اهانت‌های خوارج به امیرالمومنین (ع) در مکان‌های عمومی مثل مسجد بطور متواتر در تاریخ نقل شده است ولی امام در نهایت بردباری پاسخ گستاخی آن‌ها را می‌داد و یاران خود را از تعرض به آن‌ها باز می‌داشت و حتی سهمیه آن‌ها از بیت المال پرداخت می‌شد. یعنی هنوز آن‌ها را مسلمان محسوب می‌کرد. ولی به مجرد اینکه دست به سلاح شدند و با حکومت اسلامی اعلام جنگ کردند همه آن‌ها را از دم تیغ گذراند و طبق وعده‌ای که داده بود از خوارج بیش از ۱۰ نفر زنده نماندند و از لشکر امام بیش از ۱۰ تن به شهادت نرسیدند. در هر صورت روش امام در مواجهه با مردم برخورد حداقلی بود. یکی از مصادیق اصلی حساسی از مردم به محاسبه مالیات باز می‌گردد. امام به قیس بن سعد از بزرگان شیعه که او را بسوی آذربایجان گسیل داده بود مرقوم می‌دارد: خراج و مالیات را بحق و درستی از مردم بگیر، با سربازان و سپاهیان با انصاف (و عدالت) رفتار نما، از آنچه خدا به تو آموخته است، به آنان که نزد تویند بیاموز.<sup>۱۹</sup> همین که امام فرمان به اخذ مالیات بحق و درست می‌دهد از تمامی زمامداران جلوتر حرکت می‌کند. در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر آن بخشی که به اخذ مالیات از مردم باز می‌گردد، چنان نرمشی از خود نشان می‌دهد که بی‌سابقه است. معمولاً حاکمی که در مصرف خزانه دقت نظر و مراقبت دارد، در اخذ مالیات از مردم نیز همان شدت و چه بسا بیشتر را به خرج می‌دهد ولی امام مرقوم می‌دارند: مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آنکس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد و رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی و با گسترش عدالت در بین مردم و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند. نمونه دیگر از محاسبه مالیات و نحوه برخورد مودیان مالیاتی با مردم در نامه ۲۵ نهج البلاغه منعکس شده. در آنجا حضرت ابتدا امر می‌کند که مامور مالیاتی باید خدا را در نظر گرفته و بیش از حقوق الهی از او نگیرد. با زور از زمین مردم نگذرد و ایشان را نترساند. اصلاً رفتار و برخورد و طرز تفکر امام با دیگران قابل قیاس نیست. نکته جالب در رفتار امیرالمومنین (ع) ملاک قراردادن خود اظهاری افراد است. یعنی اگر شخص اظهار کند که

<sup>۱۹</sup>- ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمومنین (ع)، ج دوم، چ سوم، سال ۱۳۷۵، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

زکات یا مالیاتی نزدش ندارد به همان اظهارات او بسنده کرده و راه بازگشت را طی می‌کنند ولی اگر کسی پاسخ مثبت دهد همراهش برود و هرچه به عنوان مالیات داد بپذیرد: با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزونتر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن، تا در میانشان قرار گیری، به آنها سلام کن، و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن. سپس می‌گویی: ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او پردازید؟ اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه نکن، و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آن که او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی. هر چه از طلا و نقره به تو رساند بردار، و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو، که اکثر اموال از آن اوست. آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه‌گر و سختگیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده، و هراسان مکن، و دامدار را مرنجان، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند، پس از انتخاب اعتراض نکن، سپس باقی مانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر، به همین گونه رفتار کن تا باقی مانده، حق خداوند باشد. اگر دامدار از این تقسیم و انتخاب پشیمان است، و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را درهم کن، و به دو دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار، تا حق خدا را از آن برگیری و در تحویل گرفتن حیوانات، حیوان پیر و دست و پا شکسته، بیمار و معیوب را به عنوان زکات نپذیر<sup>۲۰</sup>.

### نتیجه‌گیری

امام علیه السلام در حسابرسی از صاحب منصبان و منسوبان خود شدت عمل به خرج داده و کمترین نرمشی از خود نشان نمی‌دادند و حتی این سخت‌گیری‌ها منجر به فاصله گرفتن برخی افراد سست ایمان از حضرت علیه السلام و پیوستن به معاویه گردید. در مقابل وقتی می‌خواستند به حسابرسی امورات مردم مثل اخذ مالیات پردازند، به ماموران خود توصیه می‌کردند که به گونه‌ای محاسبه کنند که به صلاح مردم باشد و یا در جای دیگر می‌فرماید: «در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد.»

<sup>۲۰</sup> - کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، مترجم صادق حسن زاده، سال ۱۳۸۷، قم، انتشارات قائم آل محمد، ص ۵۴۰

۱. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت، انتشارات دار صادر
۲. آقای طوق، مسلم، حقوق عمومی در نهج البلاغه، سال ۱۳۹۴، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
۳. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، سال ۱۳۸۵، چاپ نهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۴. مهدوی دامغانی، محمود، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، چاپ دوم، سال ۱۳۷۵، تهران، نشر نی
۵. خامنه ای، سیدعلی، جاودانه تاریخ، چاپ سوم، سال ۱۳۹۰، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۶. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، چاپ سوم، سال ۱۳۶۰، انتشارات دانشگاه تهران
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالت دولت، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، تهران، انتشارات دریا
۸. ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (ع)، ج دوم، چاپ سوم، سال ۱۳۷۵، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، مترجم صادق حسن زاده، سال ۱۳۸۷، قم، انتشارات قائم آل محمد
۱۰. گرجی ازندریانی، علی اکبر، حقوقی سازی سیاست، چاپ دوم، سال ۱۳۹۵، تهران، انتشارات خرسندی
۱۱. گرجی ازندریانی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴، تهران، انتشارات جنگل
۱۲. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ پنجاهم، سال ۱۳۹۱، تهران، انتشارات صدرا
۱۳. موسی زاده، ابراهیم، حقوق عمومی در اسلام، چاپ دوم، سال ۱۳۹۵، تهران، انتشارات خرسندی
۱۴. ناصری، محمود، داستانهای بحار الانوار، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷، قم، موسسه فرهنگی تبیان
۱۵. نوین، پرویز، اصول حقوق عمومی، چاپ دوم، سال ۱۳۹۰، تهران، انتشارات جنگل
۱۶. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی ج ۱، ج اول و دوم، چاپ بیست و چهارم، سال ۱۳۹۲، تهران، انتشارات میزان